

مقاله پژوهشی

مطالعه تطبیقی پوشاک بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین گرد شمال خراسان*

زینب گریوانی^۱، رضا اکبری بنگر^{۲*}، حمیده جعفری^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
۲. استادیار، گروه تخصصی طراحی لباس، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
۳. استادیار، گروه تخصصی هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲

چکیده

کردها یکی از پرشمارترین اقوام هستند که در ادوار مختلف به دلایل گوناگون به بخش شمالی استان خراسان کوچیده‌اند. مطالعه و نمایش تطور پوشش اقوام مختلف در گذشته و حال، زمینه‌ای ارزشمند برای شناسایی، شناساندن و صیانت از ارزش‌های آنها در جامعه پر تلاطم و مدرن کنونی است و با شناخت آن با ظاهر پوشش اقوام گوناگون، سلیقه، رنگ، بافت پارچه‌ها و نقوش به کار رفته در آنها و نیز تأثیر شیوه زندگی بر پوشاک آنان آشنا خواهیم شد. بر این اساس پژوهش حاضر در پی یافتن نقاط اشتراک و افتراق پوشاک بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین گرد شمال خراسان است و هدف آن مطالعه تطبیقی پوشاک بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین گرد شمال خراسان بوده و در جهت صیانت از این پوشاک اهتمام ورزیده است. از این رو این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی و مقایسه انجام شده و داده‌های آن، ترکیبی از اطلاعات کتابخانه‌ای، الکترونیکی بوده و همچنین مشاهدات عینی نگارنده و اطلاعات میدانی در دستیابی به استنتاجات پژوهش مؤثر واقع شده است. نتایج نشان داد پوشاک بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین گرد شمال خراسان در ساختار و شکل با یکدیگر تفاوت داشته و پوشش بانوان کوچنده کمپیرایه با تزئینات مختصر، با به کارگیری تنوع و وسعت رنگی بیشتر و جنس محکم و مقاوم‌تر است؛ و جامه بانوان یکجانشین پر نقش و نگار و پرطمطراق، به همراه تزئینات فراوان دارای جنس لطیف و ظریف است. رنگ‌هایی همچون زرد و سفید در وسعت‌های کم برای غنی‌تر کردن رنگ زمینه به صورت نقش به کار گرفته شده است. نقش مشترک پوشاک بانوی کوچنده و یکجانشین یگزراگ است که هر یک به نوعی در جامه خویش به کار بسته‌اند.

واژگان کلیدی: پوشاک، بانوان، کردهای شمال خراسان، کردهای کوچ‌نشین، کردهای یک‌جانشین.

مقدمه

نشیب، سبب شده است کمتر جامعه‌ای را بیابیم که توانسته باشد از سنت پوشاک خود حفاظت نموده و دستخوش دگرگونی قرار نگرفته باشد؛ در میان زنان و مردان کرد شمال خراسان، مردان به دلیل ارتباط تنگاتنگشان با جامعه شهری زودتر لباس سنتی خود را کنار گذاشتند و به سبک شهرنشینان جامه پوشیدند؛ لیکن پوشاک زنان این قوم که پاسداران بخش بزرگی از فرهنگ، هویت، فولکورها، آداب و سنن، هنر، دانش و صنایع دستی این قوم هستند از غنای فوق‌العاده و تنوع بسیاری برخوردار است که در رنگ و نقوش لباس‌ها نمود یافته است. در حال حاضر

فرهنگ ایران مجموعه‌ای به هم تنیده از فرهنگ‌های مختلف با آداب و رسوم متفاوت و اقوام متعدد است. استان خراسان اقوام و فرهنگ‌های مختلف را در خود جای داده است. قوم گرد شمال خراسان را می‌توان یکی از اقوام اصیل ایرانی دانست که عده‌ای از آنان ادامه‌دهنده زندگی دامپروری و عشایری در ایران بوده‌اند و عده‌ای نیز در مناطق دیگری از شمال خراسان زندگی می‌کنند. قرارگیری در تمدن امروزی و گذار از تاریخ پرفراز و

* «حمیده جعفری» در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در سال ۱۴۰۱ انجام شده است.

** نویسنده مسئول: r_a_bengar@azad.ac.ir

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «زینب گریوانی» تحت عنوان «مطالعه تطبیقی پوشاک کوچ‌نشینان و یکجانشینان کرد شمال خراسان با رویکرد زیبایی‌شناسی» است که به راهنمایی دکتر «رضا اکبری بنگر» و مشاوره دکتر

تزیینات مورد توجه بوده، ولی در لاین ساختار پارچه و نقوش متفاوت است. با این همه در هیچ‌کدام از مطالعات موجود، تطبیق پوشاک بانوان طایفه قره‌مانلو و صوفیانلو مورد بررسی قرار نگرفته است.

روش اجرای تحقیق

روش اجرای پژوهش، توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای، الکترونیکی و برخی داده‌ها به روش میدانی و به وسیله مصاحبه و مشاهده جمع‌آوری شده است. مصاحبه‌ها باز و مصاحبه‌شوندگان تعدادی از افراد با تجربه از هر گروه بوده است. همچنین برای دستیابی به اطلاعات بیشتر با نویسندگان و پژوهشگران این حوزه نیز مصاحبه شده است. داده‌های میدانی در مدت یک سال جمع‌آوری شده است. نمونه‌های مورد بررسی از بانوان کوچ‌نشین طایفه بزرگ قره‌مان که میان مسیر مراوه تپه، آش‌خانه، بجنورد و کوه‌های هزار مسجد در خراسان رضوی در حرکت‌اند و بانوان یکجانشین طایفه صوفیانلو در لاین واقع در خراسان رضوی گردآوری شده است. برای دستیابی به نتایج از جدول‌بندی و مقایسه استفاده شده است.

پوشاک بانوان گرد شمال خراسان

منطقه شمال استان خراسان، شامل استان خراسان شمالی و بخش‌های شمالی استان خراسان رضوی است (مجدی، عربی و شادکام، ۱۴۰۰، ۱۵۵) محققین نوشته‌اند کردها از قدیمی‌ترین آریایی‌ها هستند (توحیدی، ۱۳۸۵، ۴). کردهای خراسان معروف به «کرمانج» در این بخش از استان خراسان زندگی می‌کنند (یارشاطر و بلوکباشی، ۱۳۸۲، ۳۰۳). برخی از آنان در کلات، شهری واقع در خراسان رضوی زندگی می‌کنند. «ساکنان دژ کلات مخلوطی از گرد و ترک و فارس» (توحیدی، ۱۳۸۵، ۲۶۳) هستند؛ و برخی دیگر کوچ‌نشین بوده و بین خراسان شمالی و رضوی در حرکت هستند. پوشاک، از بارزترین نشانه‌های فرهنگی است، از مهم‌ترین مؤلفه‌های مرتبط با هویت است که بی‌شک با عوامل دیگر ارتباطی تنگاتنگ دارد، از آن اثر پذیرفته و بر آن اثر می‌گذارد (الهی، ۱۳۹۹، ۹۶). همچنین «شأنی از شئون انسانی است و در لغت به معنای پوشیدنی و جامه معنا شده است» (مونسی سرخه، ۱۳۹۶، ۱۰۸). از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و تحول لباس، جغرافیای طبیعی زیستگاه و همچنین شیوه زندگی مردم است که تأثیر بسیاری در تعیین جنس پارچه، شکل، رنگ و نوع دوخت لباس‌ها دارد و انتخاب نوع پوشش مردم هر سرزمین به‌گونه‌ای با جغرافیای طبیعی و شیوه زندگی مردم سازگار و عجین شده است

این پوشاک که نماد تجلی اصالت و نشان از هویت کردهای منطقه مذکور دارد، در زندگی روزمره برتن نمی‌شود و برخی در جشن‌هایشان، جامه سنتی خود را دربر می‌کنند. لیکن پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که چه تفاوت و شباهتی میان پوشش بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین کرد شمال خراسان وجود دارد؟ در این راستا هدف از آن، مطالعه پوشاک بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین کرد شمال خراسان است تا با بازخوانی و مقایسه این پوشاک و شناخت حاصل از آن بتواند در جهت پاسخ به سؤال پژوهش برآمده و در جهت حفظ و نگهداشت پوشاک این قوم گام بردارد.

پیشینه تحقیق

تشریح ویژگی‌های پوشاک کردهای شمال خراسان را می‌توان در کتبی چون «دیده و دل و دست» (امیدی، ۱۳۸۳) و کتاب «پوشاک و زیورآلات عشایر کرمانج خراسان» (وطن‌دوست، ۱۳۹۵) مطالعه کرد. در این حوزه جدیدترین کتاب باعنوان «جامعه‌شناسی ایلات و عشایر ایران» (مجدی، عربی و شادکام، ۱۴۰۰) است که نگارندگان در آن به جنبه‌های مختلف حیات عشایر این قوم از جمله دامپروری، آداب‌ورسوم، شیوه زندگی و معرفی لباس آنان پرداخته‌اند؛ کتاب‌های مذکور در بررسی پوشاک راه‌گشا خواهند بود. در ارتباط با پژوهش‌های علمی این حوزه، می‌توان به مقاله‌ای باعنوان «شاخص‌های هنری پوشاک قوم کرمانج» (نتاج مجد و صفری، ۱۳۹۹) اشاره کرد که هدف اصلی آن بیان ارزش‌های شاخص‌های هنری پوشاک کرمانج است و مبانی نظری پوشاک کرمانج‌های خراسان شمالی را بررسی کرده است. همچنین پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «مطالعه تطبیقی نقوش سرپوش کرمانج‌های کلات با سرپوش کردان مکریان کردستان» (هنرمند، ۱۳۹۸)، که پژوهشگر نقاط اشتراک و اختلاف سرپوش‌های دو منطقه را از نظر شکل و محتوا بررسی کرده و در نتیجه با ترسیم نقوش، چگونگی توزیع عناصر و ترکیب‌بندی آن را مشخص کرده است. همین‌طور پایان‌نامه‌ای باعنوان «بررسی تطبیقی اجتماعی لباس کرد کردستان و خراسان شمالی» (هوشنگی، ۱۳۹۳)، که هدف از انجام پژوهش، بررسی و شناسایی سیر تاریخی و تغییرات شکل لباس زنان مناطق مذکور بوده است؛ نتایج حاصله بیانگر آن است که لباس زنان گرد خراسان شمالی با زنان گرد سنج از نظر شکل ظاهری بسیار متفاوت است. در پایان‌نامه «بررسی تحلیلی تطبیقی البسه محلی گردنشینان خراسان از منظر طرح و نقش (مطالعه موردی: لاین، قوچان، سرحد)» (سرایبار، ۱۳۹۶)، هدف محقق شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که در البسه کردهای این مناطق بوده و نتایج نشان‌می‌دهد که ساختار لباس در سرحد ساده اما در قوچان

(الهی، ۱۳۹۹، ۹۷). علاوه بر آن ذوق و حس زیبایی دوستی، تنوع طلبی و تجمع خواهی بشر از دیگر عوامل تأثیرگذار، در پیدایش و تحولات لباس است (نتاج مجد و صفری، ۱۳۹۹، ۱۱۲).

پوشاک بانوان کوچ‌نشین

شارل (شال): پوشش سر زنان عشایر دو تکه اصلی دارد، شال و سرپوش (تصاویر ۱ و ۳). سرپوش اصلی شال است. این پوشش بیش‌تر از پارچه‌های حریر روشن گلدار انتخاب می‌شود. محبوب‌ترین آن‌ها شال‌های طاووسی است (مجدی، عربی و شادکام، ۱۴۰۰، ۲۲۷).

دستمال (سرپوش): به ابریشم هفت‌رنگ و اپیله دسمال^۲ (تصویر ۳) معروف است (نتاج مجد و صفری، ۱۳۹۹، ۱۱۲). دومین جزء سرپوش زنان بوده، به شکل مربع و از جنس ابریشم است (مجدی، عربی و شادکام، ۱۴۰۰، ۲۲۵).

کراس (پیراهن): پیراهنی زنانه است که در آن بالاتنه تنگ و دامن پرچین گشاد، به خوبی زیر کمر به چشم می‌خورد (یارشاطر و بلوکباشی، ۱۳۸۲، ۳۱۸). و روی شلیته (شیلوار) پوشیده می‌شود که چندان بلند نیست و قسمت بیش‌تری از شلیته را می‌پوشاند (ضیاءپور، ۱۳۴۶، ۵۸). مدل دیگر کراس که به «گولکی»^۳ معروف است، منتسب به تیره «گولکی» طایفه قرمان است (تصاویر ۱ و ۳). تزئینات ساده‌تری دارد و بخش پایینی آن، با دادن چین‌های پلیسه به کمر وصل می‌شود. مچ آستین‌ها با کش جمع می‌شود و یقه گرد است که با چند ردیف نوار تزئین می‌شود پارچه آن بیش‌تر از پارچه‌های حریر یا نخی نازک انتخاب می‌شود (مجدی، عربی، شادکام، ۱۴۰۰، ۲۲۷).

شیلوار: بانوان گرد خراسان پاچین یا شلیته (تصویر) دارند، از پارچه گلدار خوش‌نقش و رنگ تشکیل شده است. بالای آن لیفه دارد و گاه تا یک‌سوم قد دامن را از پایین زری‌دوزی و نواردوزی می‌کنند (ضیاءپور، ۱۳۴۶، ۵۸). «دامن کوتاه گشاد و پرچین» (یارشاطر و بلوکباشی، ۱۳۸۲، ۳۸۵) است که همراه آن جوراب سفید می‌پوشند.

جلیقه: روی پیراهن جلیقه کوتاهی که نواردوزی و پول‌دوزی زینت‌شده می‌پوشند که یقه‌ای هفت و آستری نخی داشته و بیش‌تر اوقات رنگ آن تیره است (تصویر ۳)؛ مثل زرشکی، یشمی، آبی، قهوه‌ای و سیاه که قیطان‌دوزی می‌شود (امیدی، ۱۳۸۳، ۸۷).

پوشاک بانوان یکجانشین

پاچه: یک نوع دامن شلواری است (تصاویر ۲ و ۶)؛ در واقع شلواری است با پاچه‌های گشاد و در بالا با بند در لیفه جمع

می‌شود قد آن تا زیر زانو میان ساق پا می‌رسد و از کمر تا پایین دامن سه‌تکه به ترتیب، نخی و در وسط مخمل یا پشمی و لبه پاچه معمولاً حاشیه‌ای از پارچه ابریشم به رنگ قرمز یا آبی دارد و بالا و پایین آن را نواردوزی و لبه را قیطان‌دوزی کرده و در پایان آستر می‌کنند (امیدی، ۱۳۸۳، ۴۸). برای تمام سنین از طرح یکسانی استفاده می‌شود (وطن‌دوست، ۱۳۹۵، ۱۵۲).

پیراهن: فرمی بسیار ساده دارد که پارچه آن را زنان بافته و الیاف مورد نیاز برای بافت پارچه، ابریشم است. یقه آن گرد است (امیدی، ۱۳۸۳، ۳۳). همیشه از نیم‌تنه بلندتر است تا زیر آن دیده شود. قسمت جلوی پیراهن‌ها از دور یقه تا نزدیک حاشیه پیراهن دارای نقوشی است که در اصطلاح محلی، به آن طرح «پیکام»^۴ می‌گویند (تصویر ۶). گاهی هم جلوی پیراهن ساده بوده و فقط از ده سانتی‌متر مانده به حاشیه «پیکام‌دار» است که در پهلوها چاک دارد (وطن‌دوست، ۱۳۹۵، ۱۵۰).

نیم‌تنه^۵: کت آستین بلند، جلو‌بازی^۶ که قد آن از پیراهن کوتاه‌تر است (تصویر ۱۰) و در پهلوها چاک دارد و روی پیراهن پوشیده می‌شود. و تمام حاشیه‌های کت با نوارهای دستبافت که نقش و رنگ‌های گوناگون دارد نواردوزی می‌شود (همان) این بانوان قطعه دیگری به نام بهاره (کله) دارند که قد کوتاه‌تری دارد و روی آن پیست‌ها وصل می‌شوند (تصویر ۱۰).

دستمال نخی: دستمال نخی یا کلاه نخی که روی موها را می‌پوشاند و مانع لغزیدن سایر اجزائی که روی سر بسته می‌شوند، می‌شود. به‌شیوه خاصی بسته می‌شود که به آن به لفظ محلی یاشماق^۷ می‌گویند (امیدی، ۱۳۸۳، ۲۳).

شال قرمز: جنس آن ابریشم و رنگی همواره قرمز دارد؛ چهارگوش است (تصویر) که آن را سه‌گوش کرده و به پشت سر می‌بندند و دنباله‌اش رها می‌شود، یا این‌که در جلوی سر با پنهان کردن دنباله آن روی سر گره می‌خورد. تماماً منقوش که به «شال پیکام»^۸ مشهور است.

















شال مشکی: کاملاً مشکی، که تنها در چهار زاویه یک گل کوچک دارد؛ اهالی به این شال مشکی «شار مشکی»^۹ می‌گویند (تصویر ۲). متأهلین هنگام استعمال شار مشکی، دور دهان خود را با آن می‌بندند (وطن‌دوست، ۱۳۹۵، ۱۴۵-۱۴۶).

چادر^{۱۰}: روی همه تکه‌ها یک شال بزرگ ابریشمی دستبافت به سر می‌اندازند که مثل چادر اطراف بدن را می‌پوشاند و قد آن تا مچ پا می‌رسد (تصویر ۲). براساس طرح بافت و رنگ‌های به‌کاررفته نام‌های متفاوتی دارد مانند «باوری»^{۱۱}، «سارله»^{۱۲}، «آزربانی»^{۱۳} و «فوته»^{۱۴} که برای نوعروسان بافته می‌شود (امیدی، ۱۳۸۳، ۳۰).

بحث و تحلیل داده‌ها

در هر دو نوع پوشاک بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین، رنگ‌ها با

جدول ۱. طرح و نقش پارچه‌های پوشاک بانوان گُرد شمال خراسان. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	پارچه‌های به کاررفته در جامه کوچ‌نشینان	توضیحات	پارچه‌های به کاررفته در جامه یکجانشینان	توضیحات
۱		نقوش گیاهی و پراکنده، جنس مخمل، کاربرد در شیلوار و جلیقه، رنگ غالب قرمز		نقوش هندسی و متراکم و قرینه، جنس ابریشم، کاربرد در قطعه جلوی پیراهن، رنگ غالب زرد و سفید
۲		نقوش گیاهی و پراکنده، جنس حریر ژژرت، کاربرد در پیراهن، رنگ غالب سفید		نقوش هندسی مثلث و متراکم، جنس ابریشم، کاربرد در شال سر و جلوی پیراهن، رنگ غالب زرد
۳		نقوش گیاهی و پراکنده، جنس ساتن، کاربرد در پیراهن، رنگ غالب سفید		نقوش هندسی (جوال پلاس گل)، متراکم، رنگ غالب زرد و سفید
۴		نقوش حیوانی (نقش طاووس)، در حاشیه و پراکنده، جنس حریر، کاربرد در شال سر، رنگ غالب سفید		نقش حیوانی (پای مرغ) تک نقش کاربرد در پیش سینه پیراهن، رنگ غالب زرد
۵		نقوش زیگزاگ، نواردوزی خطی، کاربرد در حاشیه شیلوار، رنگ غالب رنگ‌های روشن و سفید		نقوش زیگزاگ (مثلث‌های معکوس)، متوالی و خطی، رنگ غالب سفید
۶		نقوش زیگزاگ، نواردوزی خطی، کاربرد در حاشیه شیلوار، رنگ غالب رنگ‌های سورمه‌ای و سفید		نقوش هندسی (مثلث، متوالی و خطی)، کاربرد در شار و قطعه جلوی پیراهن، رنگ غالب سفید
۷		نقوش زیگزاگ و ممتد خطی جنس نوارهای زری، کاربرد در خط کمر و پیش سینه پیراهن، رنگ غالب طلایی		نقوش هندسی و خطی، جنس ابریشم، کاربرد در حاشیه پاچه (دامن)، رنگ غالب سیاه
۸		نقوش زیگزاگ، نواردوزی، کاربرد در خط کمر و پیش سینه، رنگ غالب قرمز		نقوش هندسی (لوزی)، متراکم و خطی، کاربرد در شار و قطعه جلوی پیراهن، رنگ غالب زرد و سفید

ادامه جدول ۱.

ردیف	پارچه‌های به کاررفته در جامه کوچ‌نشینان	توضیحات	پارچه‌های به کاررفته در جامه یکجانشینان	توضیحات
۹		نقوش هندسی (چهارخانه)، متراکم، جنس پشمی، کاربرد در بستن به کمر، رنگ غالب قرمز و سفید		نقوش هندسی (چهارخانه)، متراکم، جنس پشمی، کاربرد در بستن به کمر، رنگ غالب قرمز و سفید
۱۰		نقوش گیاهی و قرینه، جنس پشمی، کاربرد روسری، رنگ زمینه روشن و رنگ غالب نقوش قرمز		نقوش گیاهی و قرینه، جنس پشمی، کاربرد در روسری، رنگ زمینه سیاه و رنگ غالب نقوش قرمز
۱۱		نقوش گیاهی و پرکنده، جنس حریر ابریشم، کاربرد شال سر، رنگ غالب سفید		نقوش گیاهی و قرینه در حاشیه، جنس پشمی، رنگ زمینه سیاه و رنگ غالب نقش صورتی و سبز
۱۲		نقوش گیاهی و پراکنده، جنس حریر، کاربرد در سال سر، رنگ غالب سفید		نقوش راه‌راه، پیوسته متوالی و خطی، جنس ابریشم، کاربرد در کت کوتاه بهاره، رنگ غالب سفید و زرد



تصویر ۳. سرپند بانوی کوچ‌نشین قره‌مانلو. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۱. سرپوش بانوی کوچ‌نشین قره‌مانلو. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۲. سرپوش بانوی یکجانشین. مأخذ: آلبوم خانوادگی خانم رضاییان (دهه ۹۰). مأخذ: آرشیو نگارندگان.

است و روی شارل بسته می‌شود تا شارل حریر را روی سر نگهدارد که اگر چنین نبود ناقص می‌نمود. جنس شال بانوان یکجانشین (تصویر ۴) از ابریشم است که هنرمندانه، خلاقانه، بی‌نقص و کامل بافته می‌شود و قانون قرینگی در آن موج می‌زند. الیافی که تار و پود شده و تار و پودی که به دستان هنرمند بافنده رنگ‌رزی و بافته شده و از مرحله‌ای به مرحله بعدی تعالی و تشبیه یافته، سپس تبدیل به شال سر بانوی یکجانشین شده است. در آن نقوشی هندسی در هم تنیده که هر یک نشان از ذوق و سلیقه بافنده دارد؛ نقوشی که در تکاپویی ناتمام‌اند. نقوشی متقارن، متوازن و همراه با تناسب و تعادل در پی یکدیگر رَج به رَج بافته شده و روح درونی بافنده در آن جریان دارد؛ بافنده در تمام لحظه‌های بافت آن در پی آفرینشگری و سازندگیست. رنگ‌هایی همچون زرد که می‌درخشد و «بشاش و گرمابخش» (آیزمن، ۱۳۹۲، ۳۵) بوده در کنار سفید براق، سیاه قدر، سبز و دیگر رنگ‌ها که حرکت مداوم را در خاطر هر بیننده‌ای زنده می‌کند؛ بافنده با تلاشی ناتمام، نامیرایی و جاودانگی را پدید می‌آورد و جانی دوباره می‌دهد به ابریشم‌ها و این کیفیت دیگری از پروانگیست؛ همانطور که «وقتی پروانه^{۱۴} از پيله خارج شود، نماد زندگی دوباره است» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴، ۳۱۸).

پیراهن بانوان کوچ‌نشین (تصویر ۵) طرح‌هایی پراکنده و رها در سطح پارچه دارد، رنگ غالب آن روشن و بیشتر سفید است. بانوی کوچ‌نشین نمادی از صلح و دوستیست هنگامی که پیش از گله در حرکت است و آن را هدایت می‌کند؛ او به دیگران اعلام دوستی کرده و با رنگ سفید جامه‌اش دیگران را به صلح دعوت می‌کند، او الهه صلح است؛ که اگر ناخواسته گله‌اش باعث ویرانی مزارع شد بر او خرده نگیرند. فرم این پیراهن به گونه‌ای است که در کمرگاه پیلای عمودی دارد که باعث راحتی در حرکت می‌شود و این عین عدالت و زیبایی است. در این پیراهن نوارهای متعدد چون خطی پیوسته و در پیچ‌وتاب زیگزاگی کنار یکدیگر قرار می‌گیرد، که نشان از کوه‌های به



هم‌نشینی بی‌بدیل توانسته‌اند ارزشی بصری را خلق نماید که از روحیه لطیف پوشندگان مایه می‌گیرد. آنچنان که در شارل کوچ‌نشینان (تصویر ۱) نقوش حیوانی و گیاهی، ریز و درشت در تمام سطح پارچه پراکنده است؛ پراکندگی که نشان از گسترش و نامحدود بودن دارد. پس زمینه‌ای سفید که در تقابل با سیاهی است؛ سفید حضور تمام رنگ‌هاست و نماینده یکی «از رنگ‌های عرش» و روشنی نور الهی است (بلخاری قهی، ۱۳۹۴، ۷۳)؛ سفید نماد پاکی و سادگی، سبک‌بالی، روشنی و خلوص (آیزمن، ۱۳۹۲، ۵۹) است رنگ صلح، دوستی، پاکی و بی‌آلایشی؛ که دلیلی بر سرزندگی، پویایی و طراوت روح کوچ‌نشینان است. جنسی از حریر نازک دارد و نقش طاووس‌هایی که نمادیست از تمامیت و تمام رنگ‌ها بر چتر گشوده‌اش جمع‌اند. نگاره طاووس که در سرپوش کوچ‌نشینان دیده می‌شود «نماد خوش اقبالی» (هال و ویووسکا، ۱۳۷۷، ۶۵)؛ ابدیت، طول عمر و نامیرایی است (ذولفقاری کیکانلو، ۱۳۹۷، ۹۳) و بانوی گرد کوچ‌نشین این‌گونه بر جذابیت لباسش می‌افزاید و یگانه می‌شود. و اما در شارل یکجانشین (تصویر ۲) نقوش گیاهی ریز، مانند نواری در حاشیه‌ها قرار گرفته است. زمینه آن سیاه مطلق است. سیاه که از رنگ‌های نمایی و گران‌قیمت که نماد قدرت، قدر، مرموز با وزنی سنگین (آیزمن، ۱۳۹۲، ۶۳) است و سکوت را تداعی می‌کند، همچون سیاهی شب. استفاده از سیاه بر روی سر بدن منظور است که سرآدمی، مهمترین بخش بدن و اقامتگاه تفکر است و این بینش پوشنده است که مادام در جستجوی معرفت است؛ پوشیدین شار سیاه بانوی یکجانشین قدرت و اقتدار او را در ذهن متبادر کرده، چنین می‌نماید که وی در پی حقیقت و یافتن معرفت است؛ همچون رنگ تاج اهل طریق که نوشته‌اند: هر که تاج سیاه پوشد «باید که در ظلمت وجود به سرچشمه معرفت رسیده باشد» (مونسی سرخه، طالب‌پور و گودرزی، ۱۳۸۹، ۸).

دستمال بانوان کوچ‌نشین (تصویر ۳)، جنسی ابریشمین دارد و دارای خطوط بسیار ریز و لطیف است؛ ساده اما کاربردی^{۱۵}

جدول ۲. مقایسه پوشش سر بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	عنوان	کوچ‌نشینان	یکجانشینان	اشتراک	افتراق
۱	شارل (شال) و شار			الف: در کاربرد مشابه‌اند. ب: از نظر فرهنگی نیز هدفی مشترک دارند و به وسیله آن روی دهان خویش را به نشان احترام یا حیا نزد مردان و بزرگان می‌بندند.	الف: در رنگ زمینه با یکدیگر در تقابل‌اند. ب: در نقش زمینه متفاوت‌اند. ج: ابعاد و شکل متفاوت دارند.

جدول ۳. مقایسه سربند بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	عنوان	کوچ‌نشینان	یکجانشینان	اشتراک	افتراق
۱	دستمال و شال			الف: هر دو برای نگهداری از قطعه اصلی یعنی شار و شارل، به کار می‌روند، بنابراین در کاربرد یکسان هستند. ب: در شکل (مربع) مشترک‌اند.	الف: دیگر بانوان جوان کوچ‌پنده از دستمال استفاده نمی‌کنند و شارل را به تنهایی بر سر می‌نهند، اما بانوان یکجانشین همچنان هنگام استفاده از پوشش سنتی‌شان آن را به طور کامل می‌پوشند و هیچ قطعه‌ای را از آن نمی‌کاهند.

هم پیوسته محیط زندگی دارد، کوه‌هایی که از میانشان آب حیات عبور می‌کند. استفاده از نقوش هندسی با زوایای تیز، عکس‌العملی در برابر ناملايمات طبیعی پیرامون انسان است. این زیگزاگ‌ها که نماد سختی زندگی‌اند، روی پیراهن دوخته می‌شود تا پوشنده‌اش همچون کوه استوار و مقاوم جلو کرده بر مشکلات چیره شود. همچنین «این نقش نمادی از راه و مسیر حرکت و گاهی نیز نمادی از کوه‌ها» (ذولفقاری کیکانلو، ۱۳۹۷، ۱۱۳) و گاهی «زیگزاگ نمادی از آب جاری» (هال و ویووسکا، ۱۳۷۷، ۷۷) است که در پوشاک این بانوان به چشم می‌خورد. این نقش‌مایه‌ها، محصول دیدی کیهان‌شناسانه به پیرامون‌اند، دیدی که هر شکلی با آن تبدیل به چیزی ریاضی و نمادین می‌شود (کشاورز و جوادی، ۱۳۹۸، ۷). چنانکه قبلاً هم آمده پیراهن بانوان یکجانشین (تصویر ۶) ابریشم دستباف با فرمی ساده است و رنگی قرمز دارد و با تعبیه چاک کنار پیراهنش عدل را به ظهور رسانده تا در حرکت راحت‌تر عمل کند. در قسمت جلویی آن با قطعه‌ای که نقوش فراوان دارد تکمیل شده است. نقوشی مانند مثلث‌های پی‌درپی که نمادی از زمین و از کنار یکدیگر بودن زنان و مردان، همچون آب و آتش کامل شده و بیشتر با رنگ سفید که نشان‌دهنده نور کامل است، بافته شده و لوزی‌های بزرگ، کوچک و تودرتو که با چرخش و تغییر رنگ‌ها حاصل می‌شود. نقش هندسی غالب که در پوشاک این بانوان دیده می‌شود لوزی و مثلث است؛ «مثلث واژگون، نماد آب؛ و اگر مثلث واژگون و بدون رأس باشد، نماد زمین است» (سرلو، ۱۳۹۲، ۶۹۶). مثلی که رأس آن رو به بالا باشد نمادی از آتش و جنس مذکر است و همین مثلث با رأسی رو به پایین، نمادی از آب و جنس مؤنث است (کوهنور، ۱۳۸۳، ۴۵) که در کنار یکدیگر تشکیل زیگزاگ می‌دهند. می‌توان گفت این نقوش گویای تکاملی از زمین به آسمان است. نقش لوزی، تغییر یافته مربع است که نمادی زمینی و مادی دارد را در قسمت پایینی پیراهن می‌بافند؛ این نقوش از پایین به بالا منسجم و مترکم، تودرتوی یکدیگر شروع شده و به سوی پراکندگی و تکثیر لوزه‌های بزرگ به لوزی‌های کوچک و در نهایت حرکت رو به بالا پیش رفته است. این نقوش



تصویر ۴. پوشش سربانوی یکجانشین صوفیلو مأخذ: آلبوم خانوادگی خانم رضاییان (دهه ۹۰).



تصویر ۵. بانوی کوچ‌نشین با پوشش گراس. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۶. پیراهن بانوان یکجانشین (لایین). مأخذ: آلبوم خانوادگی خانم رضاییان (دهه ۶۰).

جدول ۴. مقایسه پیراهن بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	عنوان	کوچ‌نشینان	یکجانشینان	اشتراک	افتراق
۱	پیراهن		 	الف: در کاربرد مشابه‌اند.	الف: رنگ زمینه ب: سر آستین بانوی کوچنده لیفه‌کشی دارد تا به هنگام فعالیت بتواند طول آستین را کنترل نماید. ج: نوارهای روی پیراهن کوچ‌نشینان، از تولیات صنعتی بوده و در قسمت پیش‌سینه و کمرگاه به‌کار می‌رود و از آن تجاوز نمی‌کند. د: مداخل‌های پیراهن یکجانشینان از جنس ابریشم درجه دو که در لفظ محلی به کجین معروف بوده یا نخ‌های کودری (مصنوعی) بافته شده و در حواشی درزها، چاک و سرآستین و بقیه دوخته می‌شود. ه: پیراهن بانوی کوچ‌نشین در کمر پبلی دارد. و: پیراهن بانوی یکجانشین در پهلو چاک دارد. ح: نقوش پیراهن کوچ‌نشینان چاپ روی پارچه و به صورت صنعتی ایجاد شده است، اما نقوش پیراهن یکجانشین بافته شده است.



تصویر ۷. شلیته (شیلوار) بانوی بریمانلو. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

یادآور نگاه وحدت در کثرت و کثرت در وحدت و به گونه‌ای معرف یگانگی خداوند است؛ بشر همچون دیگر موجودات، در جستجوی وحدت بوده و بافنده مانند پیشینیان خویش، نگاهی رو به بالا دارد و در پی یگانگی است؛ این چرخش رنگ که باعث به وجود آمدن نقوش در این دستبافته شده است، هنریست که ریشه در تجربه و معرفت بافنده دارد که از طبیعت یافته و توانسته است بافته خویش را به کمال بارور سازد و پویایی را در آن به نمایش بگذارد. پیراهن یکجانشینان پارچه‌ای کاملاً دستباف دارد با رنگی سرخ که نوشته‌اند قرمز پرهیجان است و انرژی مضاعف دارد (آیزمن، ۱۳۹۲، ۲۳)، هنوز با همان کیفیت، جلال و جمال گذشته توسط هنرمند بافنده بافته می‌شود. نقوش در تاروپود پارچه، همچون پبلی ابریشم در هم تنیده و از لبه پایین پیراهن تا قسمت شانه‌های پوشنده را فرا می‌گیرد و نقشی بر نقوش جهان هستی می‌افزاید. چنانکه در فرهنگ قدیم چین و ژاپن معتقد بوده‌اند که هنرمند، با کشیدن تصویر گل و گیاه از طبیعت تقلید نمی‌کند، بلکه بر گل و گیاهان واقعی طبیعت می‌افزاید (کشاورز و جوادی، ۱۳۹۸، ۱۱).

رنگ سرخ شلیته (تصویر ۷) نمادی از آغاز حیات و مبدأ زندگی است که رنگش را از «انوار چهارگانه عرش» (بلخاری‌قهی، ۱۳۹۴، ۷۳) وام دارد. انسان با نشاط و پر قدرت به آن علاقمند بوده و عامل فعالیت، تلاش و جنب‌وجوش است (حسین‌پور، ۱۳۹۳، ۱۷۹) و بانوی کوچنده نمونه بارز این حرکت است. جنس شیلوار مخمل است که در دوران صفویه بسیار پرطرفدار بوده است؛ از آنجا که گردهای شمال خراسان در آن زمان به خراسان کوچیده‌اند، با عبور از شهرهای بزرگ توانسته‌اند از این پارچه‌ها خریداری کرده تبدیل به لباس کنند؛ و چون مخمل پارچه‌ای مقاوم بوده، دوخت آن استمرار یافته است. روح زمانه در گذار از ادوار مختلف طول قدش را کوتاه‌تر کرده، اما در نهایت تا زانوان می‌رسد تا چین و شکن‌هایش بانوی



تصویر ۸. پاچه بانوی یکجانشین صوفیانلو (لایین). مأخذ: نگارندگان.

قرمز است و رنگ‌های دیگر با آن همراه می‌شوند تا زیباترش کنند. این قطعه در میان کوچ‌نشینان از نظر کاربرد اهمیت دارد و آن را به هنگام فعالیت به کمر می‌بندد (تصویر ۱۱)، بنابراین رنگ‌هایی خاموش‌تر در آن به کار رفته است؛ ولی در میان یکجانشینان جذابیت و زیبایی آن وجود می‌یابد زیرا در هنگام ازدواج بر سر عروس می‌اندازند (تصویر ۱۲)، به همین دلیل از رنگ‌های شادی‌بخش مانند زرد در آن استفاده می‌شود تا هرچه تمام‌تر بدرخشد و پرشکوه جلوه‌گر شود. رنگ‌های زنده مانند زردهایی که انسان با دیدنش شاد می‌شود و سرخ‌هایی که نمادی از انرژی‌اند، کنار سیاه قدر، در حال تبدیل شدن و نوشدن در تکرار پی‌درپی هستند. جنس آن از ابریشم دستبافت است و رنگ‌ها با عبور از میان یکدیگر تبدیل به مربع‌ها می‌شوند که نمادی از مادیت دارند. با ترکیب خطوط عمودی (تار) مستحکم و خطوط آرام افقی (پود) چهارگوشه‌ای جدید ابداع می‌شود؛ چهارخانه‌هایی که از درون یکدیگر عبور کرده‌اند، گویی تارو پود دست در دست یکدیگر داده‌اند تا سطحی از رنگ‌های جذاب و لذت‌بخش را به غایتی برآزنده

کوچ‌نشین را از تحرک مداوم به سکون وا ندارد. نوارهایی که به شکل خطوطی ممتد، در لبه دامن با رنگ‌های روشن‌تر از زمینه به هنگام فعالیت همچون رودی سفید در جریان است و بالا و پایین می‌شود و مدام در چرخش بی‌انتهاست و گردشی دورانی دارد. رنگ به رنگ شده و زیگزاگ‌هایی که همچون سختی کوه‌های پی‌درپی کوهستان و رود روان میانشان همگی در حرکت بودن را به نمایش می‌گذارند. ذوق و سلیقه‌ای که در چیدمان رنگ رنگ نوار به کار رفته، مخملی که گل‌های پراکنده‌اش نماینده طبیعت شاد بانوی کوچنده دارد؛ این خطوط به قدر اعتدال، متناسب و هماهنگ با رنگ و گل‌های زمینه به لبه دامن دوخته می‌شود. و اما پاچه بانوان یکجانشین (تصویر ۸)، که همچون دامن شلواری است و از جنس ابریشم که کیفیت جنس و رنگ در آن موج می‌زند. انعکاس نور از سطح ابریشم‌ها، خبر از ظرافت و دقت در بافت آن می‌دهد. پارچه‌اش با کیفیت تمام بافته شده، آستر و نواردوزی می‌شود و با ظرافت کامل می‌شود و برتن می‌رود و معنایی از زندگی، همواره زنده و پاینده می‌یابد. سرخی رنگش از رنگ‌های مطرح شده در قرآن است (بلخاری قهی، ۱۳۹۴، ۱۳۷) و «نماد قدرت و همت» (همان، ۱۴۶)، باعث جذابیت و دمیدن روحی دوباره است.

جلیقه کوچ‌نشینان از جنس مخمل و به رنگ قرمز درخشان است (تصویر ۹). پولک‌های روی آن به جای تزیین‌های سنتی و پولدوزی‌های گذشتگان‌شان است که دیگر انجام نمی‌شود اما تالو و درخشش این پولک‌های طلایی جلالی به جلیقه می‌دهد که پوشنده از آن لذت می‌برد. این جلیقه‌ها در گذشته کاربرد بیشتری داشته و ترکیبی هماهنگ با دامن سرخ داشت، ولی اکنون به دلایل گوناگون از جمله هزینه بالا یا به روز نبودن، بانوی جوان کوچ‌نشین از تهیه آن امتناع می‌کند. لباس رویی بانوان یکجانشین نیم‌تنه‌ای است (تصویر ۱۰) و روی پارچه آن نقش بته‌جقه دارد که متأثر از دوره‌های تاریخی است و با این نقوش بافته و دوخته شده است و روح دوران همچنان در آن جریان دارد؛ «استفاده از نقش بته‌جقه (سرو خمیده) نمادی از رشد دائمی و رویش همیشگی در منسوجات ایرانی است» (مونسی سرخه، ۱۳۹۵، ۱۱۴). بانوی یکجانشین مادام در اندیشه تکامل است و راضی به این همه نیست، لباسش را با نوارهای دستبافت تزیین می‌کند و این چنین آن را بی‌بدیل و بی‌همتا می‌کند. مداخله‌ایی با نقوش مختلف که نمادی از چشم زخم‌اند و حافظ پوشنده از بدی‌ها خواهند بود. وی نام حق را روی بازوان هنرمندانه گلدوزی می‌کند که یار و محافظش باشد.

چادر قطعه دیگری از پوشش کردهای شمال خراسان است که در هر طایفه به نحوی متفاوت استفاده می‌شود. رنگ غالب آن

جدول ۵. مقایسه دامن بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین. مأخذ: نگارنده؛ عکس‌ها: نگارندگان.

ردیف	عنوان	کوچ‌نشینان	یکجانشینان	اشتراک	افتراق
۱	شلیته (شیلوار) و پاچه	 	 	الف: در رنگ سرخ مشابه‌اند. ب: شلیته (شیلوار) و پاچه هر دو از پارچه‌ای مستطیل شکل دوخته می‌شود. ج: در چین، شکن و گشادی مشابه هستند. اما چین‌های پاچه با اتو پرس می‌شود تا به شکل پیلی درآید. د: هر دو نوع دارای نوار دوزی در لبه پایین هستند.	الف: پاچه از دو مستطیل به هم متصل شده دوخته می‌شود اما شلیته کوچ‌نشینان یک مستطیل است و اتصالی بین پاها ندارد. ب: قد پاچه بلند و تا پایین پا می‌رسد. در بررسی پوشش بانوان، بلندی قد نشانه زنان ثروتمند و پوششی فاخر است. اما طول قد شلیته تا محدوده زانوان می‌رسد تا دستوپاگیر نباشد و وی را از تکاپو به سکون وا ندارد. ج: پاچه در کیفیت نوار دوزی‌ها نیز متفاوت است، زیرا نوارهای پاچه همچنان دستیاف است. احتمالاً بانوان کوچ‌نشین در گذشته از مداخل‌های دست‌باف که در روستاها یافته می‌شد برای زیبا شدن دامنشان استفاده می‌کردند که با صنعتی شدن این هنر، از نوارهای ماشینی استفاده کرده‌اند. د: در جنس متفاوت هستند. جنس پاچه شلیته دستخوش تغییر و تحولات زمان قرار گرفته و دست‌بافته‌ها به پارچه‌ای ماشینی تبدیل شده است؛ اما پاچه مورد استفاده پاچه‌های یکجانشینان همچنان ابریشمین است.



تصویر ۱۰. نیم‌تنه بانوی یکجانشین. مأخذ: آلبوم خانوادگی خانم رضاییان (دهه ۹۰).



تصویر ۹. جلیقه بانوی کوچ‌نشین قره‌مانلو. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

جدول ۶. مقایسهٔ بالاپوش بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	عنوان	کوچ‌نشینان	یکجانشینان	اشتراک	افتراق
۱	جلیقه و نیم‌تنه (نیف‌تنه)		 	الف: هر دو پوشش رویی هستند.	الف: جنس جلیقه مخمل و جنس نیم‌تنه ترمه است. ب: نقوش جلیقه، گیاهی و نقوش نیم‌تنه، بته جقه است. ج: جلیقه بدون آستین است و نیم‌تنه آستین بلند دارد. د: جلیقه در جلو با دکمه بسته می‌شود در حالیکه نیم‌تنه دکمه ندارد و با قطعه تزئینی به یکدیگر اتصال می‌یابد. ه: نیم‌تنه مُداخل دوزی شده اما جلیقه پولکدوزی دارد. و: طول قد جلیقه کوتاه تا کمرگاه و قد نیم‌تنه بلند تا زیر باسن است.



تصویر ۱۲. چادر تازه‌عروس لایبن. مأخذ: آلبوم خانوادگی خانم رضاییان (دههٔ ۹۰).



تصویر ۱۱. بستن چادر به کمر بانوی کوچ‌نشین. مأخذ: موزهٔ مردم‌شناسی خراسان شمالی. مأخذ: موزه مردم‌شناسی خراسان شمالی.

نتیجه‌گیری

بررسی پوشاک بانوان کرد شمال خراسان نشان داد کردهای

رسانند و حقیقتی از وجود رنگ‌ها به شکلی ساده و بی‌پیرایه اما دائم در عبور متناوب پدیدار کنند (جدول ۷).

جدول ۷. مقایسه چادر بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین. مأخذ: نگارندگان..

ردیف	عنوان	کوچ‌نشینان	یکجانشینان	اشتراک	افتراق
۱	چادر (چادرشب)			الف: در فرم کلی و بافت مشابه‌اند. ب: نقش هر دو چهارخانه است.	الف: در کاربرد متفاوت‌اند. ب: چادر یکجانشینان از جنس ابریشم و نخ‌های کودری و گاهی مصنوعی بافته می‌شود ولی چادر کوچ‌نشینان از نخ‌های مصنوعی بافته می‌شود.

نقش امکان وجود نمی‌یابد. مشهودترین رنگ مشترک قرمز بوده و رنگ زرد و سفید نیز جزو اشتراک‌های رنگی بود، گرچه در وسعت متفاوت اما هریک سازگار با اجزای دیگر هستند، لیکن افتراق رنگی این البسه، سیاه است که در پوشش بانوی کوچنده جایگاهی ندارد و در البسه بانوی یکجانشین رنگی است که همواره برای پوشش سر به کار می‌رود و همچون تاج اهل طریق نشانه جستجوی معرفت و تعالی است. در نقش زیگزاگ که نماد کوه‌ها و آب حیات‌اند، با یکدیگر مشترک بوده‌اند و در لباس هر دو گروه با شیوه‌ای متفاوت به کار رفته است. نقش‌های هندسی حاکم بر پوشاک بانوان یکجانشین است، نقوشی که در پی سازندگی و تکامل هستند. نقوش گیاهی، حیوانی و خطوط ممتد در جامه بانوان کوچ‌نشین بر دیگر نقوش غلبه کرده است، که نشان از طبیعت پیرامون ایشان دارد (جدول ۸).

پی‌نوشت‌ها

۱. از آن‌جا که در دوره صفویه مرزهای شرقی خراسان دائماً ناامن بوده و مورد تهاجم اقوام ازبک و ترکمن قرار گرفته بود، این اقوام به منظور جلوگیری از هجوم بیگانگان به خراسان کوچانده شده‌اند (یارشاطر و بلوکباشی، ۱۳۸۲، ۳۰۳).
۲. Epil Dasmal
۳. Guleki
۴. Pikam
۵. اصطلاح محلی آن نیفته (Niv Tene) است.
۶. اغلب اوقات تکه طرفین با قلاب سه تکه لوزی‌شکلی که حالت قرینه دارد به هم متصل می‌شود چپ و راسته نام دارد که جزئی از زیورآلات خانم‌های کرد را تشکیل می‌دهد (امیدی، ۱۳۸۳، ۴۳).
۷. Yasmaq
۸. Sale-c-pikam
۹. Sare-meski
۱۰. چادرشب نقش چهارخانه یا راه‌راه دارد. اگر از سه رنگ زرد، نارنجی و خاکستری بافته شده باشد به آن «باوری» (baveri) می‌گویند؛ اگر در بافت آن رنگ زرد غالب باشد به آن «سارله» (sarele) می‌گویند و «ازربانی» (azarbani) به چادرشبی می‌گویند که رنگ سبز آن بیش‌تر باشد و از هر سه نقش استفاده می‌کنند و روی سر نوعروسان می‌اندازند که به زبان محلی به آن «فوتته» (futa) می‌گویند (همان).
۱۱. Baveri
۱۲. Sarele
۱۳. Azarbani
۱۴. Futa
۱۵. کاربرد هر قطعه از پوشاک جزئی از زیبایی است و «نمی‌توان تفاوتی میان محصولات کاربردی و محصولات زیبا در هنرهای سنتی قائل شد» (کشاورز و جواد، ۱۳۹۸، ۷).
۱۶. «میان آرتک‌ها، پروانه نماد روح است» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴، ۳۱۸).

کوچ‌نشین و یکجانشین اگرچه در پیشینه تاریخی و زبان مشترک‌اند لیکن در پوشش متفاوت‌اند و افتراق بسیاری در شکل آن وجود دارد و عامل اصلی برای تمیز آنان از یکدیگر است که هریک براساس زیستگاه و اقلیمشان پوششی متناسب با آن انتخاب کرده‌اند. بانوی کوچ‌نشین در تکاپوی مستمر، پیوسته روان و در حرکت است؛ بنابراین پوششی بر می‌گزیند که در حرکت دست‌وپاگیر نباشد؛ همچنین گزینش رنگ‌ها در گذشته براساس اقلیم و گیاهان رنگ‌زای پیرامون حیات بانوی کرد کوچ‌نشین و یکجانشین بوده است. بانوان کرد یکجانشین در گذشته از قرمزدانه و علف کوهی که به زلیمر معروف است، برای رنگ‌رزی ابریشم‌ها استفاده می‌کرده‌اند اما در حال حاضر از رنگ‌رزی شیمیایی استفاده می‌کنند. با این حال بانوان کرد کوچ‌نشین و یکجانشین در انتخاب رنگ براساس قوانین و رسوم پیشینیان خود عمل می‌کنند و از قوانین طایفه خود عدول نمی‌کنند. رنگ زرد دامن در جامه دختران کوچ‌نشین به دلیل مراقبت از ایشان بوده تا در میان کوه‌ها زودتر دیده شوند و پس از ازدواج اجازه استفاده از شلیته قرمز به آنها داده می‌شود که قانونی نامتغیر میان کردهای کوچ‌نشین است. حاصل آنکه لباس بانوان کوچنده ساده و با تزئینات مختصر که جنس محکم‌تر و مقاوم‌تری دارد و از رنگ‌هایی مانند سفید، قرمز و زرد استفاده بیشتری می‌کنند که نشان از طراوت، سرزندگی و پویایی ایشان دارد. بانوی کوچ‌نشین دامنی کوتاه برتن می‌کند تا از خار و خاشاک عبور و مرور کوه‌ها در امان باشد و برای پیراهنش از کمر به پایین پلیسه‌هایی در نظر گرفته تا در آن راحت‌تر حرکت کند و از فعالیت و ماندن؛ همچنین برای کنترل قد آستین لبه آستین لیفه کشی در نظر می‌گیرد. جامه بانوان یکجانشین پر نقش و نگار به همراه تزئینات فراوان و پر طمطراق، دارای جنس لطیف‌تر و ظریف‌تر است. دامنی با طول قد بلند استفاده می‌کند که نشان از ثروت بوده همچنین استفاده از سکه‌های نقره‌ای برای تزئین البسه، نمایانده جایگاه اجتماعی و تمکن ایشان است. همچنین نتایج نشان داد، رنگ و نقش این جامه‌ها در بستر ذوق و سلیقه آنان به کمال بارور شده و تجلی یافته است. رنگ و نقشی که هریک مکمل یکدیگر هستند و بدون رنگ،

جدول ۸. مقایسه پوشاک بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین شمال خراسان، مأخذ: نگارندگان.

ردیف	پوشاک	اشتراک	افتراق
۱	سرپوش	الف: نقوش شال و شارل (هر دو چاپ روی پارچه) ب: در نحوه بستن شار و شال و عبور آن از روی دهان ج: استفاده از نقوش گیاهی	الف: اندازه و شکل مستطیل شارل بانوی کوچ‌نشین و اندازه و شکل مربع شال بانوی یکجانشین ب: استفاده از رنگ‌های متضاد در شال و شار ج: نوع نقوش حیوانی و هندسی د: در نقش‌اندازی روی شال و شار ه: در جنس
۲	تن‌پوش	الف: در رنگ دامن ب: به‌کارگیری پیلی‌های یکطرفه (پلیسه‌کردن) در پیراهن بانوی کوچ‌نشین و دامن بانوی یکجانشین ج: در استفاده از نواردوزی و مُداخل دوزی‌ها و تفاوت در کیفیت جنس مُداخل‌ها و نواردوزی‌ها د: در طول آستین‌ها ه: عبور لیفه در کمر دامن ز: در کار برد نقوش در پیراهن کوچ‌نشینان فقط در پیش‌سینه است در صورتی که در پیراهن یکجانشینان از پایین پیراهن شروع شده و تا گردن امتداد دارد. ح: در روش نقش‌اندازی روی پارچه، نقوش پیراهن کوچ‌نشین چاپ صنعتی و نقوش پیراهن یکجانشین بافته می‌شود (پارچه دست‌باف) ط: تفاوت نقش (بانوی کوچ‌نشین، نقوش گیاهی و بانوی یکجانشین نقوش هندسی استفاده می‌کند) ی: در انسجام و پراکندگی نقوش‌ها	الف: در جنس پارچه‌ها در پیراهن، دامن ب: در رنگ پیراهن ج: در فرم کلی پیراهن و تفاوت در سرآستین‌ها د: در شکل کلی دامن ه: در طول قد دامن و: در کاربرد وسعت رنگ‌ها
۳	پوشش رویی	الف: اشتراک در استفاده از نقش بته-جقه در جلیقه و نیم‌تنه ب: اشتراک در جلو باز بودن جلیقه و کله و نیم‌تنه	الف: جلیقه بدون آستین اما کله و نیم‌تنه آستین دارند ب: تفاوت در نقش ج: در تعداد قطعات پوشش رویی، یکجانشین کله و نیم‌تنه دارد و کوچ-نشین فقط جلیقه دارد. د: تزئینات جامه کوچ‌نشینان کم و در لباس یکجانشینان فراوان و تجملی‌تر ه: در وجود جیب روی جلیقه، کله و نیم‌تنه جیب ندارد.

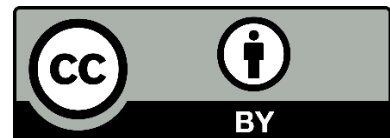
فهرست منابع

- امید، ناهید. (۱۳۸۳). دیده و دل و دست: پژوهشی در پوشاک و هنرهای سنتی خراسان. مشهد: به نشر.
- آیزرمن، لئاتریس. (۱۴۰۱). روان‌شناسی کاربردی رنگ (پنتون) تهران: جمال هنر.
- الهی، محبوبه. (۱۳۹۹). طراحی لباس ۱: تأثیر و تدابیر خطی.

- ترجمه روح‌الله زمزمه. تهران: بیهق کتاب.
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۴). قدر: نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی. تهران: سوره مهر.
- توحیدی، کلیم‌الله. (۱۳۸۵). حرکت تاریخی گرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران. مشهد: واسع.
- حسین پور، اسماعیل. (۱۳۹۳). دیار و دوتار: تحلیل سه‌خستی‌های کرمانجی کردهای خراسان. قم: عمو علوی.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۴). باورهای عامیانه مردم ایران. تهران: چشمه.
- ذولفقاری کیکانلو، معصومه و رستمی بجنوردی، خلیل. (۱۳۹۹). بررسی نماد، نقوش و نگاره‌های سفره گردی در خراسان. بجنورد: بیژن یورد.
- سرلو، خوان ادواردو. (۱۳۹۲). فرهنگ نمادها (ترجمه مهرانگیز اوحدی). تهران: داستان.
- سوابیار، ونوس. (۱۳۹۶). بررسی تحلیلی و تطبیقی البسه محلی گردنشینان خراسان از منظر طرح و نقش (مطالعه موردی: لایین، قوچان، سرحد). (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس). دانشکده هنر، دانشگاه علم و هنر یزد.
- ضیاءپور، جلیل. (۱۳۴۶). پوشاک ایل‌ها، چادرنشینان و روستائیان ایران. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- کشاورز، گلناز و جوادی، شهره. (۱۳۹۸). انتزاع نمادین در زیبایی‌شناسی هنر بلوچستان، نمونه موردی: سوزن‌دوزی بلوچ. باغ نظر، ۱۶ (۷۹)، ۵-۱۴.
- کوهنور، اسفندیار. (۱۳۸۳). جلوه‌گری نقوش هنری در آثار هنرهای سنتی ایران. دوم. مشهد: آستان قدس رضوی نور حکمت.
- مجدی، علی‌اکبر؛ عربی، نسرین و شادکام، گلی. (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی ایلات و عشایر. مشهد: خانه علوم تربیتی.
- مونس سرخه، مریم. (۱۳۹۶). لباس و هویت: ابعاد هویت فرهنگی در لباس ایرانی. جلوه هنر، ۹ (۱)، ۱۰۷-۱۱۶.
- مونس سرخه، مریم؛ طالب‌پور، فریده و گودرزی، مصطفی. (۱۳۸۹). نوع لباس و نمادهای رنگ در عرفان اسلامی. هنرهای زیبا، ۲ (۴۴)، ۵-۱۴.
- نتاج مجد، عطیه و صفری، الهام. (۱۳۹۹). مطالعه شاخص‌های هنری پوشاک قوم کرمانج. دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۲۹ (۳)، ۱۰۵-۱۱۷.
- وطن‌دوست، سارا. (۱۳۹۵). پوشاک و زیورآلات عشایر کرمانج خراسان. قم: عمو علوی.
- هال، آلستر و ویووسکا، جوزه لوچیک. (۱۳۷۷). تاریخچه، طرح، بافت و شناسایی گلیم (ترجمه شیرین همایون فر و نیلوفر الفت شایان). تهران: کارنگ.
- هنرمند، پروانه. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی نقوش سرپوش کرمانج‌های کلات با سرپوش کردان مکریان کردستان. (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس). مؤسسه آموزش عالی فردوس مشهد.
- هوشنگی، شیرین. (۱۳۹۳). بررسی تحلیلی تطبیقی اجتماعی لباس زنان گرد در کردستان و خراسان شمالی. (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس). دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و فرهنگ.
- یارشاطر، احسان و بلوکباشی، علی. (۱۳۸۲). پوشاک در ایران زمین (ترجمه پیمان متین). تهران: امیرکبیر.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
 گریوانی، زینب؛ اکبری بنگر، رضا و جعفری، حمیده. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی پوشاک بانوان کوچ‌نشین و یکجانشین کرد شمال خراسان. مجله هنر و تمدن شرق، ۱۱ (۴۱)، ۱۶-۲۹.

DOI:10.22034/jaco.2023.395530.1312
 URL:https://www.jaco-sj.com/article_180407.html

